

دکتر وندی ال. ویدر، دانیل، جلسه ۲

سوالات و مسائل تفسیری

وندی ویدر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر وندی ویدر و تدریس او در مورد کتاب دانیل است. این جلسه دوم، سوالات و مسائل تفسیری است.

این دومین سخنرانی در کتاب دانیل است و امروز قصد داریم به برخی از سوالات و مسائل تفسیری که قبل از مطالعه عمیق کتاب باید با آنها دست و پنجه نرم کنیم، پردازیم.

بنابراین، ما می‌خواهیم به چندین سؤال اساسی تفسیری پردازیم، و من آنها را در سخنرانی قبلی معرفی کردم اما اینها سؤالاتی هستند که باید از هر کتابی، هر بخشی از کتاب مقدس بپرسیم. گاهی اوقات، پاسخ‌های خوبی وجود دارد، و گاهی اوقات، ما نمی‌توانیم پاسخ‌ها را پیدا کنیم، اما مرور سؤالات یک تمرین مهم است. بنابراین، ما سؤالاتی در مورد ژانر می‌پرسیم.

منظورمان این است که این کتاب چه نوع نوشته‌ای است؟ چگونه می‌توانم این نوع نوشته را تفسیر کنم؟ ما به سؤالاتی در مورد نویسنده، تاریخ و مخاطب انسانی نگاه می‌کنیم. خوب، چه کسی آن را نوشته است؟ چه زمانی آن را نوشته‌اند؟ برای چه کسی نوشته‌اند؟ ما به سؤالات مربوط به موقعیت تاریخی یا زمینه تاریخی نگاه می‌کنیم. شرایط تاریخی پشت وقایع این کتاب چه بوده است؟ نویسنده ممکن است به طور خاص به چه چیزی پرداخته باشد؟ و گاهی اوقات سؤالاتی در مورد هدف می‌پرسیم.

چرا این نویسنده این کتاب خاص را می‌نویسد؟ این سؤالات همگی به هم مرتبط هستند، بنابراین اگر بتوانید پاسخی برای یکی پیدا کنید، گاهی اوقات می‌توانید پاسخی برای بقیه هم پیدا کنید، گاهی اوقات نمی‌توانید، اما پاسخ شما به یک سؤال اغلب پاسخ‌های شما به سؤالات دیگر را تعیین می‌کند. بنابراین، کمی پیچیده می‌شود، اما اینها سؤالات اساسی هستند که ما به آنها می‌پردازیم. ما با ژانر شروع خواهیم کرد.

بنابراین، وقتی به ژانر فکر می‌کنیم، واقعاً از یک چیز بزرگ شروع می‌کنیم. ژانر نوعی نوشتار، نوعی ادبیات است. وقتی این سوال را در مورد بخشی از کتاب مقدس می‌پرسیم، فرض کنید شما متن عهد جدید از متی ۵ را انتخاب می‌کنید و می‌گویید، خوب، متی ۵ در انجیل متی آمده است.

همینجا، شما یک تمایز ژانری قائل شدید. این در یک انجیل است. خوب، اگر مثلاً آموزه‌های پولس در مورد شماسان و بزرگان را می‌خوانید، در اول تیموتائوس هستید.

این یک رساله است. این یک نامه است. اگر آن را بخوانید، خداوند شبان من است، من به هیچ چیز محتاج نخواهم بود.

خوب، شما در مزامیر هستید. این شعر است. بنابراین، می‌توانید فقط از روی همین اطلاعات، به یک نتیجه‌گیری نسبتاً خوب در مورد ژانر برسید.

موعظه بالای کوه بخشی از انجیل متی است که خود یک انجیل است. و انجیل‌ها به طور کلی، خوب، روایت‌هایی از زندگی عیسی هستند، روایت‌هایی که زندگی عیسی را بازگو می‌کنند. اگر نوشته‌های پولس در مورد بزرگان و شماسان را می‌خوانید، در اول تیموتائوس هستید.

این رساله‌ای از پولس است. به طور خاص، یکی از رساله‌های شبانی اوست. اگر بخوانید، خداوند شبان من است، شما در مزامیر هستید، شما در شعر هستید.

خب، ما همین الان گفتیم انجیل، گفتیم رساله، و گفتیم شعر. خب، این دسته‌بندی‌ها از کجا می‌آیند؟ این دسته‌بندی انجیل را از کجا می‌آوریم؟ این دسته‌بندی رساله را از کجا می‌آوریم؟ شعر؟ این از کجا می‌آید؟ خب، در بیشتر موارد، این ژانرها از سازماندهی کتاب مقدس یا مجموعه کتاب‌های مقدس سرچشمه می‌گیرند. سازماندهی مجموعه کتاب‌های مقدس

بنابراین، اگر به عهد جدید نگاه کنید، به چهار انجیل تقسیم می‌شود. متی، مرقس، لوقا و یوحنا. سپس اعمال رسولان وجود دارد که تاریخ است.

و بعد به همه این رساله‌ها یا نامه‌ها می‌رسی. و بعد آن آخرالزمان دلچسب را در انتها می‌بینی. با یک انفجار تمام می‌شود.

اینگونه است که مجموعه عهد جدید سازماندهی شده است. اگر به عهد عتیق نگاه کنید، تورات یا تورات را داریم. ما بخش زیادی از کتاب‌های تاریخی را نیز داریم.

ما کلی کتاب نبوی داریم. بنابراین، مجموعه کتاب‌های مقدس، عمدتاً بر اساس کتاب‌های مشابه، مرتب شده‌اند. آن‌ها در کنار هم گروه‌بندی شده‌اند و این‌ها ژانرها را تشکیل می‌دهند.

خب، دانیال در گروه‌بندی عهد عتیق ما کجا قرار می‌گیرد؟ این یک سوال انحرافی است. اگر فقط بگویید، خب، او یک پیامبر است. بله، اگر به یک کتاب مقدس خاص نگاه می‌کنید، او یک پیامبر است.

بنابراین، وقتی به کتاب دانیال می‌رسیم، با یک مشکل مواجه می‌شویم. زیرا دانیال، در متون یهودی یا به طور خاص عبری، جزو پیامبران نیست. او یکی از کسانی است که ما آن را نوشته می‌نامیم.

اگر به کتاب مقدس انگلیسی نگاه کنید، دانیال یکی از پیامبران است. چرا آنها متفاوت هستند؟ اگر به فهرست مطالب کتاب مقدس خود نگاه کنید، دسته‌بندی‌های نسبتاً واضحی از ژانرها را خواهید دید. و دانیال در متون مقدس مربوطه در دسته‌های مختلفی قرار می‌گیرد.

خب، بیایید کمی دقیق‌تر به این موضوع نگاه کنیم چون در واقع سوال بسیار مهمی است. بیایید نگاهی بیندازیم به... بیایید اول به کتب مقدس عبری پردازیم. خب، کتب مقدس عبری به سه گروه تقسیم می‌شوند.

تورات وجود دارد. پیامبران وجود دارند. و نوشته‌ها نیز وجود دارند.

اینها سه دسته در متون عبری هستند. در تورات، ما پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه را داریم. من قصد ندارم همه آنها را بنویسم.

انبیا، در کتب عبری، با یوشع شروع می‌شوند. داوران. نه روت، نه سموئیل. پادشاهان، نه تواریخ، نه عزرا. نه نحما. اشعیا، ارمیا، نه مراثی، حزقیال، و سپس دوازده نبی کوچک‌تر را داریم. بنابراین، هوشع تا ملاکی. اینها انبیا هستند.

سپس ما این دسته سوم را داریم که نوشته‌ها نامیده می‌شوند. نوشته‌ها همه چیزهای دیگر هستند. این ساده‌ترین راه برای به خاطر سپردن آن است.

اما ما چندین کتاب را از قلم انداختیم. بنابراین، روت. استر. ما نحما و عزرا را از قلم انداختیم. ما مزامیر، امثال، جامعه، غزل‌های سلیمان، مرثی و تواریخ را از قلم انداختیم. آیا همه آنها را خواندم؟ و دانیال. ایوب. متشکر، ایوب. و دانیال.

دانیال را کجا قرار دهیم؟ تورات. انبیا. نوشته‌ها. دانیال جزو نوشته‌هاست. اگر قرار بود در مورد اینکه این کتاب‌ها علاوه بر هر چیز دیگری چه هستند صحبت کنیم، می‌توانستیم کمی دقیق‌تر باشیم.

ما اینجا شعر و حکمت داریم. اینجا عزرا، نحما و استر را داریم که زندگی در سرزمین پس از تبعید یا هنوز در دوره آوارگی را روایت می‌کنند.

خب، داستان‌ها، روایت‌ها و روایت‌هایی که در آن سوی تبعید واقعی اتفاق افتاده‌اند. وقایع‌نامه «یکی از آثار جالب است».

تواریخ، بازگویی بسیاری از کتاب‌های پادشاهان و سموئیل است. اما از زاویه دیدی متفاوت روایت می‌شود. از آن سوی تبعید.

بنابراین، شما داستان‌های مشابه زیادی را اینجا خواهید یافت، اما با دیدگاهی متفاوت و هدفی متفاوت. روت. خب، داستان روت اینجا در زمان داوران اتفاق می‌افتد.

اما در نوشته‌ها آمده است. دانیال. چرا دانیال اینجا است؟ خب، می‌توان گفت، و من فکر می‌کنم چیزی که متون عبری روی آن تمرکز دارند، حداقل در رابطه با کتاب دانیال، این است که این کتاب در تبعید اتفاق می‌افتد.

این کتاب وقایعی را که در تبعید اتفاق افتاده است، بازگو می‌کند و نگاهی به آینده و اتفاقات پس از تبعید دارد. بنابراین، این می‌تواند یکی از توضیحاتی باشد که چرا در نوشته‌ها آمده است. دلایل دیگری نیز وجود دارد که ممکن است در نوشته‌ها وجود داشته باشد.

بعضی‌ها می‌گویند این بر اساس تاریخ نگارش کتاب است. بنابراین، تورات قدیمی‌ترین مجموعه است. انبیا. دومین مجموعه قدیمی هستند.

بنابراین، در عهد جدید، ما درباره شریعت و انبیا صحبت می‌کنیم. این دو مورد هستند. شریعت و انبیا.

و نوشته‌ها شامل تمام اتفاقاتی است که هنگام اتمام این پیامبران رخ داده است. شاید این کتاب‌ها بسته شده باشند. این تمام چیزی است که پس از آن آمده است. شاید. بنابراین، برخی خواهند گفت، خب، این از تاریخ بعدی بودن کتاب دانیال پشتیبانی می‌کند. به آن خواهیم پرداخت. تاریخ بعدی دارد. شاید. شاید نه.

دیگران می‌گویند دانیال به جای اینکه در اینجا در کنار اشعیا، ارمیا، حزقیال و انبیا کوچک قرار بگیرد اینجا قرار می‌گیرد، زیرا او واقعاً مانند آنها پیامبر نیست. بنابراین، این انبیا توسط خدا برای قوم اسرائیل فرستاده شدند تا آنها را از گناهشان بازگردانند. آنها را به عهدشان بازگردانند.

از راه‌های پلید خود برگردید. به عهد خود بازگردید. این وظیفه این پیامبران بود.

من استادی داشتم که دوست داشت آنها را پلیس‌های عهد و پیمان بنامد. آنها کسانی بودند که از عهد و پیمان محافظت می‌کردند. برگردید

به عهد و پیمان خود پایبند باشید. دانیال این کار را نمی‌کند. حتی فصلی در کتاب وجود دارد که به عهد و پیمان اشاره می‌کند.

همین. بنابراین، او به آن معنا یک پیامبر معمولی نیست. بنابراین، این یک نظریه است که چرا دانیال در کتاب مقدس عبری در میان انبیاء گنجانده نشده است، و این یکی از نوشته‌ها است.

نظریه سوم این است که دانیال و سه دوستش، که ما آنها را بیشتر با نام‌های شدک، میشک و عبدنغو می‌شناسیم، نام‌های عبری دارند، اما فعلاً فقط به شدک، میشک و عبدنغو بسنده می‌کنیم. آنها در کتاب دانیال به نوعی مانند افراد خردمند یا حکیم به تصویر کشیده شده‌اند. آنها این ویژگی‌های خردمندانه را دارند و نوشته‌های آنها کتاب‌های خردمندانه است.

بنابراین، شاید به همین دلیل است که کتاب دانیال در اینجا گروه‌بندی شده است، زیرا این چاشنی حکمت را در خود دارد. این ممکن است. نظریه دیگر این است که کتاب دانیال نکات مشترکی با کتاب استر دارد.

بنابراین، هر دو داستان‌هایی درباره بنی‌اسرائیل یا یهودیانی هستند که عملاً در دربارهای خارجی زندگی و خدمت می‌کنند. بنابراین، گاهی اوقات، آنها به عنوان داستان‌های درباری طبقه‌بندی می‌شوند. شباهت‌هایی بین دانیال و استر وجود دارد، بنابراین آنها این دو کتاب را در کنار هم قرار می‌دهند.

پیشنهاد آخر، که من تا حدودی آن را می‌پسندم، اما باز هم، ما نمی‌دانیم. ما فقط در حال بررسی این سوال و پاسخ‌های احتمالی هستیم، این است که متون عبری بیشتر بر شش فصل اول تمرکز دارند تا شش فصل دوم. بنابراین، به یاد داشته باشید، کتاب دانیال دو ژانر دارد، ژانرهای بسیار متمایز. ما داستان‌های روایی داریم، و این پیشگویی آخرالزمانی را داریم، اما کاملاً مطمئن نیستیم که با آن چه کنیم.

آنها بسیار متمایز هستند. بنابراین، متون مقدس عبری این انتخاب را انجام دادند، بسیار خوب، ما آن را بر اساس روایت دسته‌بندی خواهیم کرد. و به طور خاص، روایت‌های مربوط به دوران تبعید و پس از تبعید است، به همین دلیل است که اینجا آمده است.

حال، این بخش از کتاب مقدس، یا این بخش از کتاب دانیال، چیزی است که کتاب مقدس انگلیسی بر آن تمرکز خواهد کرد. این نبوی و آخرالزمانی است. بنابراین، دانیال در کنار انبیا قرار می‌گیرد.

بگذارید کمی این را روشن کنم. بسیار خوب، یک لحظه. فهرست منابع مسیحی، یا منابع انگلیسی، که اتفاقاً می‌تواند خودش یک مطالعه کامل باشد، بر اساس ترتیب کتاب‌ها در ترجمه هفتادگانی تنظیم شده است.

حالا، دوره فشرده ترجمه هفتادگانی. زبان اصلی عهد عتیق عبری است. اولین ترجمه عهد عتیق به یونانی بود.

امپراتوری‌های جهانی ما را در اینجا به یاد بیاورید. ما از ایران به یونان نقل مکان کردیم و یونانی به زبان تجاری جهان هلنیستی تبدیل شد. بنابراین، ناگهان، در این دوره زمانی، یهودیانی هستند که عبری را از دست می‌دهند، بنابراین نمی‌توانند کتاب مقدس خود را بخوانند.

بنابراین، آن را با پیامبران دسته‌بندی کرد. می‌دانم اگر دنبال پاسخ بودید، به آنها نمی‌رسید. ما فقط داریم سوالات را بررسی می‌کنیم و به شما گزینه‌ها را می‌دهیم.

اما دلیل اینکه پرسیدن این سوال منصفانه است این است که به ما کمک می‌کند تشخیص دهیم که این سوال بزرگتر از آن چیزی است که فکر می‌کردیم. اگر می‌گویید دانیال یک پیامبر است، خوب، عهد جدید این را تأیید می‌کند، اما در متون عبری، او یک موجود متفاوت است. بنابراین، ارزش دارد بپرسیم که چرا یک نظم متفاوت وجود دارد، آنها روی چه چیزی تمرکز می‌کنند.

و راستش را بخواهید، طبق تجربه من، بخش زیادی از تمرکز پیشینه‌ام روی این نیمه دوم بود، تقریباً به جز نیمه اول، طوری که داستان‌های خوبی با نکات اخلاقی باشند. می‌دانید، مثل دنیل باشید.

جرأت کن و دانیال باش. برای خدا استوار بمان. اینها اصول اخلاقی هستند که از آن شش باب بیرون می‌آیند.

اینجا واقعاً جایی است که توجه زیادی به آن جلب می‌شود. بنابراین، شاید این منعکس‌کننده‌ی اصول و قواعد انگلیسی باشد، نمی‌دانم. خوب، ژانر دنیل چیست؟ این ما را به سوال اصلی برمی‌گرداند.

آیا روایت است؟ بله. آیا پیشگویی است؟ بله. آیا آخرالزمانی است؟ بله.

پاسخ آسانی نیست. همه این موارد هستند که تفسیر آن را کمی دشوارتر می‌کنند. زیرا نحوه تفسیر روایت کمی با نحوه برخورد شما با پیشگویی متفاوت است.

خوب، سوال بزرگتر، جواب بزرگتری هم دارد، اما ارزش پرسیدن دارد. این سوال مربوط به ژانر. آگه فکر کردی جالب بود، قراره در مورد قرارمون صحبت کنیم.

نویسنده و تاریخ. خوب، چه کسی کتاب دانیال را نوشته و چه زمانی؟ نویسنده، تاریخ. چه کسی آن را نوشته؟ چه زمانی آن را نوشته‌اند؟ خوب، ممکن است آنجا نشسته باشید و فکر کنید، این واقعاً سوال سختی نیست.

دانیال این کتاب را زمانی که در تبعید بود نوشت. بنابراین، او آن را در قرن ششم قبل از میلاد نوشت. درست است؟ دانیال این کار را کرد.

او آن را در قرن ششم نوشت. به اندازه کافی آسان است. ادامه دهید.

خوب، کاش به همین سادگی بود. اول از همه، بگذارید بگویم که کتاب دانیال در ابتدای کتاب هیچ ادعایی در مورد نویسنده‌اش ندارد. چیزی که ما به آن سرلوحه می‌گوییم، ندارد.

بنابراین، وقتی مزامیر را می‌خوانید، اغلب با مزامیر داوود شروع می‌شوند. این به معنای نسبت دادن آن نوشته به داوود است. وقتی برخی از پیامبران را می‌خوانید، نام پیامبران را می‌خوانید.

اینها رؤیاهایی هستند که این پیامبر دید. در عهد جدید، این رؤیاهای کمی رایج‌تر هستند. بنابراین، من، پولس ... به کلیسا در

بسیاری از کتاب‌های مقدس، به ویژه در عهد عتیق، آن توضیحات و نوشته‌ها را ندارند. و در کتاب دانیال، نیمه اول، این داستان‌ها وجود دارند.

آنها داستان‌هایی درباره دانیال هستند. اما هیچ ادعایی وجود ندارد که دانیال آنها را نوشته باشد. در واقع دانیال به عنوان یک شخصیت در داستان‌ها ظاهر می‌شود.

بنابراین، به صورت سوم شخص. بنابراین، اگر دانیال آنها را نوشته باشد، آنها را طوری نوشته که انگار راوی دانای کل خارج از داستان است. او به درون نگاه می‌کند و درباره خودش به عنوان یک شخصیت صحبت می‌کند.

که کاملاً ممکن است. اما فقط توجه داشته باشید که کتاب در نیمه اول هیچ ادعایی مبنی بر نویسندگی در آن داستان‌ها ندارد. در نیمه دوم، آن رؤیاها

آنها صحنه‌پردازی شده‌اند و به صورت گزارش‌های اول شخص روایت می‌شوند. من، دانیال، در امتداد رودخانه بودم و غیره و غیره. بنابراین، ما «من، دانیال» را داریم.

سپس او رؤیای خود را گزارش می‌دهد. اما جالب اینجاست که این گزارش‌ها، حداقل برخی از آنها، در چارچوب روایت سوم شخص تنظیم شده‌اند.

بنابراین، این فصل شروع خواهد شد، برای مثال، فصل ۷ شروع می‌شود. در سال اول سلطنت بلشصر پادشاه بابل، دانیال در بابل در رختخوابش بود و خوابی دید. خوب، این یک روایت است و از زبان سوم شخص روایت می‌شود.

دانیال نمی‌گوید، هی، در سال اول بلشصر، من در رختخواب خواب می‌دیدم. این چیزی است که من دیدم. بنابراین، در این رؤیاها، ما این گزارش‌ها را در روایتی سوم شخص گنجانده‌ایم.

بنابراین، باز هم، دانیال می‌توانست همه این کارها را انجام دهد. این امکان‌پذیر است. یا شخص دیگری می‌توانست این مجموعه را برداشته و آن را کنار هم قرار داده و چارچوب را به آن اضافه کند.

بنابراین، با تمام این اوصاف، این اولین پاسخی است که بسیاری از مردم می‌دهند. دانیال این کتاب را زمانی نوشت که در قرن ششم در بابل در تبعید بود. و این تا حد زیادی مبتنی بر استفاده از راوی اول شخص در نیمه دوم کتاب و این واقعیت است که داستان‌ها درباره دانیال هستند.

بنابراین، فرض بر این است که او باید آن را نوشته باشد. اگرچه کتاب یونس داستانی درباره یونس است. هیچ ادعایی مبنی بر اینکه یونس آن را نوشته است، وجود ندارد.

کتاب یوشع وقایع یوشع را شرح می‌دهد، اما هیچ ادعایی مبنی بر اینکه یوشع آن را نوشته باشد وجود ندارد. بنابراین، باز هم، دشوار است. پیچیده است.

من این را دیدگاه دوم در مورد نویسندگی می‌نامم. این دیدگاه در واقع دیدگاه سنتی است. این دیدگاه مدت‌هاست که وجود داشته است.

گاهی اوقات، به آن دیدگاه محافظه‌کارانه نیز گفته می‌شود. گاهی اوقات، به آن تاریخ اولیه نیز گفته می‌شود. خوب، اگر زود هنگام باشد، می‌توانید حدس بزنید که قرار است تضادی با دیر هنگام وجود داشته باشد.

و منظور از اوایل، دوره قرن ششم است که دانیال در تبعید بود. این دیدگاه سنتی، دیدگاه محافظه کارانه و دیدگاه مربوط به اوایل تاریخ است. سپس چیزی را داریم که اغلب دیدگاه انتقادی نامیده می‌شود.

و منظورم این نیست که این دیدگاه، دیدگاهی انتقادی نسبت به این کتاب است. اگرچه هست. وقتی درباره پژوهش انتقادی صحبت می‌کنیم، بیشتر درباره تفسیرهایی شبیه به این صحبت می‌کنیم که به نحوه گردآوری متن، جزئیات اینکه چه کسی، نسخه‌های خطی کجا پیدا شده‌اند و همه آن دسته از مسائل انتقادی که لزوماً برای آموزش و تبلیغ کتاب مهم نیستند، بسیار علاقه‌مند هستند.

این یک نگاه تاریخی بسیار عمیق می‌طلبد... چه کلمه‌ای می‌خواهم؟ کلمه‌ای به ذهنم نمی‌رسد. نگاه انتقادی تاریخی. به آن تاریخ متأخر هم می‌گویند.

و احتمالاً همین کافی است. بنابراین، این دیدگاه می‌گوید که کتاب دانیال توسط یک یهودی ناشناس که در فلسطین زندگی می‌کرده، نوشته شده است. بنابراین، متفاوت است.

اینجا، دانیال در تبعید است. این یک یهودی ناشناس است که در فلسطین زندگی می‌کند، چه زمانی؟ در طول قرن دوم قبل از میلاد. اگر این برای شما کمی بی‌ربط به نظر می‌رسد، اجازه دهید شما را به اولین سخنرانی‌ام ببرم، جایی که ما این جدول زمانی گسترده را اینجا داشتیم.

قرن دوم پیش از میلاد چیزی بود که ما در اینجا بر آن تمرکز کردیم. این وقایع مربوط به تخریب و هتک حرمت معبد در زمان آنتیوخوس اپیفانس است. بنابراین، اغلب از آن به عنوان آزار و اذیت آنتیوخوس یاد می‌شود.

این دوران واقعاً وحشتناکی در تاریخ یهود در دوران سلطنت آنتیوخوس چهارم، اپیفان پادشاه سلوکی بود. بنابراین، این دیدگاه انتقادی است. این دیدگاه سنتی است.

این بر چه اساسی است؟ آیا کسی یک روز نشسته و این را از کلاه بیرون آورده است؟ من یک یهودی ناشناس در فلسطین در قرن دوم هستم. چرا؟ خوب، چند نکته. خوب، یادتان هست که به شما گفتم این دیدگاه به نوعی بر اساس این است که، خوب، دانیال ادعا می‌کند که این رؤیاها را دیده است. من، دانیال، به صورت اول شخص نوشته شده است.

این دیدگاه کمی جالب‌تر است، خوب، کلی هم از زاویه دید سوم شخص وجود دارد. بنابراین، نمی‌توانید بگویید که دانیال کل کتاب را نوشته است. شاید کس دیگری آن را نوشته باشد.

بگذارید کمی افکارم را جمع‌بندی کنم. خوب، می‌گویند خیلی عجیب است که این کتاب با راوی سوم شخص شروع شود و بعد راوی عوض شود. اگر دانیال خودش می‌نوشت، چرا همه چیز را اول شخص ننوشت؟ این هم یک بحث دیگر است.

با این حال، بزرگترین بحث مربوط به، خوب، ما فقط آن را برخی از مشکلات تاریخی می‌نامیم. در کتاب دانیال جاهایی وجود دارد که صرف نظر از اینکه چه نوع محققى هستید، پاسخ دادن به برخی از سوالات تاریخی در آنها بسیار دشوار است. بنابراین، شخصیتی در کتاب دانیال به نام داریوش مادی وجود دارد.

و او در کتاب دانیال نقش بسیار مهمی دارد. در کتاب دانیال و چاه شیر، او کسی است که دانیال را به چاه شیر انداخت. نام او حداقل چهار بار در کتاب آمده است.

داریوش مادی، داریوش مادی، داریوش مادی. ما اسناد تاریخی نسبتاً گسترده‌ای از بابل و ایران داریم، و هیچ اشاره‌ای به این داریوش مادی نشده است. بنابراین، این سوال پیش می‌آید که خب، این شخص کیست؟ این شخصیت تاریخی کیست؟ مسئله‌ی دیگری که لزوماً تاریخی نیست، این بیشتر یک مسئله‌ی ژانری است.

اگر قرار است کتاب دانیال را یک کتاب نبوی بنامیم، که من خوشحالم که آن را یک کتاب نبوی می‌نامم، باید بگویم که به آینده نگاه می‌کند. اما انبیای عهد عتیق ممکن است درباره آینده سخن می‌گفتند، اما آنها با مخاطبان فعلی خود به روشی صحبت می‌کردند که برایشان قابل فهم و مرتبط بود. وقتی به برخی از مطالب بخش پایانی دانیال، به ویژه فصل ۱۱، می‌رسیم، این بخش بسیار مفصل است، برخلاف هر پیشگویی در هر کجای کتاب مقدس، و باید حدود ۱۰ سخنرانی دیگر را دنبال کنیم تا به آن برسیم. فقط عجیب است.

این واقعاً مثل یک درس تاریخ است، بازگو کردن این برهه خاص از تاریخ آنها. حال، سوال این است که اگر شما در اینجا در تبعید زندگی می‌کنید و دانیال نبی این تاریخ را برای شما تعریف می‌کند یا آن را پیشگویی می‌کند، باید از خود پرسید که هدف این مخاطب چه بوده است؟ این تاریخی که در حال وقوع است برای آنها چه معنایی داشته است؟ سوال مربوط به ارتباط. نویسنده اصلی پیامی را بیان می‌کرد که برای مخاطبانش مرتبط بود.

بنابراین، وقتی به این مطالب آخرالزمانی می‌رسید، برای دانیال دشوار است که ببیند چه ارتباطی می‌توانسته باشد. نکته دیگری که با این ژانر مرتبط است این است که آخرالزمان واقعاً در دوره معبد دوم به وجود می‌آید. بنابراین، ادبیات آخرالزمانی، ادبیات مردم ستم‌دیده است.

تا حد زیادی. آنها به دنبال مداخله الهی برای اصلاح جهان هستند. و تنها راه اصلاح جهان این است که خدا به فضای ما حمله کند و این کار را انجام دهد.

این بازسازی آشفته و فاجعه‌بار جهان را. اوضاع اینقدر بد است. خب، این در دوره معبد دوم به وجود آمد.

و واقعاً شکوفا می‌شود، و ما آن را در کتاب مکاشفه می‌بینیم. واقعاً اینجا زیاد وجود ندارد. و بنابراین، کمی عجیب است، خب، این ادبیات آخرالزمانی اینجا چه کار می‌کرد؟ پیام تسلی بخش این آینده برای این مردم اینجا چیست؟ این فقط یک سوال مربوط به ژانر است.

این خیلی شبیه بسیاری از ادبیات معبد دوم است که از این ژانر آخرالزمانی پیروی می‌کند. بنابراین، در اینجا یکی از راه‌هایی که این تاریخ متأخر توضیح داده می‌شود، آمده است. به جای اینکه بگویم این پیشگویی است که آینده‌ای را از... پیشگویی می‌کند، بگذارید این را به روش دیگری امتحان کنم.

در ادبیات آخرالزمانی، گذشته از کتاب دانیال، ما از نوع خاصی از ژانر به نام پیشگویی پس از وقوع (ex-eventu prophecy) یا پیشگویی پس از وقوع (after the event) اجازت می‌دهم این موضوع (after the event) یا پیشگویی پس از وقوع (ex-eventu prophecy) درک شود.

پیشگویی پس از وقوع. خب، این واقعاً پیشگویی نیست. این تاریخ است، اینطور نیست؟ خب، این نحوه‌ی کار آن است.

بباید وانمود کنیم که قرار است... بباید وانمود کنیم که جورج واشنگتن... ما شخصیت جورج واشنگتن را داریم و می‌خواهیم او درباره تاریخ ایالات متحده برای ما پیشگویی کند. بنابراین، جورج واشنگتن شخصیتی است که ما در حال اقتباس آن هستیم. این در واقع جورج واشنگتن نیست.

این منم. فرض کنید این کار را در سال ۱۹۹۰ انجام داده‌ام. می‌خواهم شخصیت جورج واشنگتن را برای روایت تاریخ ایالات متحده آمریکا به کار بگیرم. بنابراین، من جورج واشنگتن را به عنوان پیامبری دارم که تاریخ را روایت می‌کند.

یا پیش‌بینی آنچه در پیش است. بنابراین، جورج واشنگتن داستان جنگ انقلاب را به طور دقیق روایت می‌کند. ما پیروز شدیم! او جنگ داخلی را به طور دقیق روایت می‌کند.

او انقلاب صنعتی را روایت می‌کند. او تاریخ ایالات متحده را به طور کامل مرور می‌کند. و سپس به نقطه‌ای خاص می‌رسد که کمی از مسیر اصلی خود منحرف می‌شود.

کاملاً درست نیست. ما این را حدود سال ۱۹۹۰ در نظر می‌گیریم. او ناگهان شروع به پیش‌بینی چیزهایی می‌کند که دقیق نیستند.

خب، شاید او بگوید... پسر، من باید تاریخم را به خاطر بسپارم. شاید او بگوید که جورج اچ دبلیو بوش دو دوره رئیس‌جمهور بوده است. خب، این از نظر تاریخی دقیق نیست، درست است؟ اما شاید کمی به او حق بدهید چون این یک رویداد واقعی در آینده برای اوست.

وقتی این را می‌گوید، کاملاً درست می‌گوید. وقتی واقعاً آینده را می‌گوید، کمی اشتباه می‌کند. بنابراین، اگر این را در کتاب دانیال قرار دهیم، نظریه‌ی «روز متأخر» می‌گوید... بنابراین، کسی در قرن دوم پیش از میلاد تاریخ را طوری روایت می‌کرد که انگار یک پیشگویی است.

و وقتی به یه نقطه خاصی میرسه، یه کم اشتباه می‌کنه. کاملاً درست نیست. و دلیل اینکه یه کم اشتباه می‌کنه. اینه که در واقع داره پیشگویی می‌کنه.

او در واقع سعی دارد پیشگویی کند، و اشتباه می‌کند. این یک چیز بسیار پیچیده است، و شما می‌گویید که این هیچ معنایی ندارد. چرا باید چنین چیزی را در خواب ببینید؟ خب، من که چنین چیزی را در خواب ندیده‌ام.

در واقع یک ژانر شناخته شده است. اینکه آنها نام یک شخصیت محترم و ارجمند از تاریخ را اقتباس کنند بنابراین در این مورد، دانیال، نام دانیال را برمی‌گزینند و از او می‌خواهند که این پیشگویی را که در واقع تاریخ تا نقطه خاصی است، بازگو کند، و سپس به جلو می‌رود، و او کمی از ماجرا دور می‌شود زیرا در واقع این نویسنده ناشناس است که اکنون آینده واقعی را پیشگویی می‌کند. این یک ژانر شناخته شده است.

سوال این است که آیا این ژانری است که در کتاب مقدس استفاده شده است؟ و این سوالی است که مردم به طور متفاوتی به آن پاسخ خواهند داد. بنابراین برخی افراد می‌گویند که این فریبنده است. شما نمی‌توانید.

این اشتباهه. تو نمی‌تونی همچین کاری بکنی. خدا از این ژانر استفاده نمی‌کنه.

دیگران خواهند گفت، منظورت چیست که خدا از آن ژانر استفاده نمی‌کرد؟ ژانر یک مقوله اخلاقی نیست چه کسی می‌گوید که اگر این یک ژانر شناخته شده است، خدا نمی‌توانست از آن استفاده کند؟ خب، شما می‌گویید، خب، فایده‌اش چیست؟ چرا خودمان را به زحمت بیندازیم؟ خب، این نوع ژانر، که در آن چیزهایی را که تاریخی هستند، طوری پیش‌بینی می‌کنید که انگار قرار است اتفاق بیفتند، برای تشویق مردم بود. شما

می‌گویید، خب، چطور این اتفاق افتاد؟ چون می‌بینید که همه چیز دقیقاً همانطور که پیامبران گفته بودند اتفاق می‌افتد.

بنابراین، خدا دقیقاً همانطور که پیشگویی شده بود، تاریخ را به حرکت در می‌آورد. و بنابراین، نظریه این است که این امر می‌توانست به مخاطبانی که آن را می‌شنیدند، در مورد حاکمیت خدا دلگرمی بدهد. بسیار خوب، این نگاهی گذرا به یک مسئله نسبتاً پیچیده است.

وقتی به نیمه دوم کتاب برسیم، به این موضوع برمی‌گردیم. چیزی که می‌خواهم بگویم این است که این سوال در مورد تاریخ نویسنده اغلب به عنوان معیاری برای سنجش راست‌گویی مردم استفاده می‌شود. بنابراین، آیا شما واقعاً، آیا واقعاً حاکمیت یا حقیقت کتاب مقدس را تأیید می‌کنید؟ اگر این کار را می‌کنید، خب، مطمئناً پس کتاب دانیال باید در قرن ششم توسط یک دانیال واقعی نوشته شده باشد.

و من فکر می‌کنم این کمی ساده‌انگارانه است. این کمی تقلیل‌گرایانه به یک مسئله‌ی ژانری نسبتاً پیچیده است. من فقط شما را تشویق می‌کنم که چشمانتان را باز کنید و مایل باشید هر دو طرف را بشنوید، زیرا واقعاً مفسران وفاداری با دیدگاه والا نسبت به کتاب مقدس وجود دارند که دیدگاه‌های متفاوتی در این مورد دارند.

بنابراین، این نوع آزمونی نیست که بخواهید روی کسی استفاده کنید تا ببینید آیا واقعاً به کتاب مقدس اعتقاد دارد یا خیر. این همان پرسش نویسنده-تاریخ است. ما دو پرسش دیگر داریم که در واقع به این پرسش مرتبط هستند.

خب، مخاطب و محیط. خب، این به این برمی‌گردد که شما فکر می‌کنید نویسنده چه کسی بوده است. اگر دانیال در قرن ششم بوده، مخاطب او چه کسی بوده است؟ خب، یهودیان تبعیدی یا پراکنده بودند.

یهودیانی که پراکنده از سرزمین خود زندگی می‌کردند. بنابراین، یهودیان پراکنده. و هدف او چه بود؟ احتمالاً تشویق آنها به اینکه خدا قرار است وفادار باشد.

خدا آنها را احیا می‌کرد. خدا برایشان نقشه و هدفی داشت، با وجود اینکه از سرزمینشان رانده شده بودند. آنها معبد و پادشاهشان را از دست داده بودند.

بنابراین، تشویق، حتی تسلی. اگر بگویید که نویسنده‌ی دانیال این یهودی ناشناس در قرن دوم پیش از میلاد است، خب، پس مخاطب او کیست؟ خب، به طور خاص، مخاطب او یهودیان فلسطین هستند که تحت آزار و اذیت انطاکیه زندگی می‌کنند. بنابراین، یهودیان قرن دوم تحت آزار و اذیت.

هدف او از نوشتن آن چه بوده است؟ چیزی شبیه به این. بنابراین، آنها باید از حاکمیت خداوند و اینکه خداوند مسئول تاریخ است، مطمئن باشند.

در فصل‌های آخرالزمانی، هدف این است که به خواننده این اطمینان داده شود که روزی، صبر کن نیکوکاران پاداش خواهند گرفت و بدکاران مجازات خواهند شد. بنابراین این دلگرمی‌ای است که از این دیدگاه نویسنده-تاریخ بیرون می‌آید. بنابراین، اینها مسائل اصلی ما هستند.

می‌بینید که کتاب دانیال از نظر ژانر، نویسنده-تاریخ، مخاطب و هدف، به راحتی در دسته‌های ساده قرار نمی‌گیرد. وقتی برگردیم، نگاهی به روش‌های مختلف برای بررسی کتاب خواهیم انداخت. روش‌های مختلفی برای ساختاردهی کتاب وجود دارد.

و ما در موردش صحبت خواهیم کرد. متشکرم

من دکتر وندی ویتز و تدریس او در مورد کتاب دانیال هشتم. این جلسه دوم، سوالات و مسائل تفسیری است.